خبر

آفریقا مقصد جدید نتانیاهو

● **ایسنا:** نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی روز گذشته پیش از فرودآمدن در چاد، مدعی شد ایران و تشکیلات خودگردان فلسطین تلاش کرده‌اند مانع از سفر او به این کشور آفریقایی شوند، اما موفق نشده‌اند. به نوشته روزنامه اورشلیم‌پست، نتانیاهو دراین‌باره گفت: ایرانی‌ها و فلسطینی‌ها از این سفر ناراضی بودند و تلاش کردند آن را متوقف کنند، اما شکست خوردند. در آینده نیز سفرهای بیشتری به کشورهای مسلمان خواهم داشت. این سفر نتانیاهو با هدف تجدید روابط دیپلماتیک میان چاد و رژیم صهیونیستی انجام شده است و انتظار می‌رود دو طرف به‌زودی برقراری مجدد روابطشان را اعلام کنند. به نوشته این روزنامه صهیونیستی، یکی از اهداف نتانیاهو در عرصه سیاست خارجی، برقراری روابط قوی با آفریقاست و از جولای ۲۰۱۶ تاکنون این چهارمین‌بار است که او به این قاره سفر می‌کند. این اولین‌باری است که یک نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به چاد سفر می‌کند. این سفر پس آن انجام می‌شود که رئیس‌جمهور چاد دو ماه پیش به‌طور غیرمنتظره‌ای به قدس اشغالی سفر کرد.

مرگ عامل فرار دیپلمات‌های آمریکایی از ایران

● **مهر:** به گزارش بی‌بی‌سی، آنتونیو جوزف (تونی مندز)، مأمور سابق سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا -سیا- که عملیات نجات شش دیپلمات آمریکایی را از تهران برنامه‌ریزی و اجرا کرد، در ۷۸سالگی درگذشته است. مندز در سال‌های اخیر به بیماری پارکینسون مبتلا بود و با «خودکشی کمکی» جان داد. گفتنی است در زمان تسخیر لانه جاسوسی، شش نفر از دیپلمات‌های آمریکایی به سفارت کانادا در تهران گریختند. به فاصله دو ماه، تونی مندز که در قالب فیلم‌ساز و با گذرنامه جعلی به ایران سفر کرده بود، این افراد را در قالب شهروندان کانادایی از ایران خارج کرد. حدود شش سال پیش، هالیوود با استناد به این ماجرا، فیلم ضدایرانی «آرگو» را ساخت که با وجود دریافت جایزه اسکار، به دلیل جعل تاریخ و تحریف حقایق، با انتقاد شدیدی همراه شد. مندز در دفاع از این نسخه جعلی گفته بود: مردم برخورد خودمختارانه هالیوود با حقایق را درک می‌کنند.

دیدار نماینده ولی‌فقیه در سپاه با مراجع تقلید

● **ایسنا:** نماینده ولی‌فقیه در سپاه با آیات عظام و مراجع تقلید حضرات مکارم‌شیرازی، نوری‌همدانی و جوادی‌آملی دیدار و گفت‌وگو کرد. حجت‌الاسلام حاجی‌صادقی در این دیدارها گزارشی از اقدامات سپاه و بسیج در حوزه محرومیت‌زدایی و مردم‌یاری و اجرای پروژه‌های عمرانی و اشتغال‌زایی در نقاط کم‌برخوردار و محروم کشور ارائه کرد. نماینده ولی‌فقیه در سپاه، گزارشی نیز از اقدامات سپاه در حوزه معنویت‌افزایی و آگاهی‌بخشی به آحاد کارکنان سپاه و بسیجیان ارائه کرد. او ارتباط و پیوند سپاه با روحانیت را عمیق و ناگسستنی توصیف و عنوان کرد: پاسداران و بسیجیان به‌عنوان پیشتازان دفاع از انقلاب اسلامی، گوش به فرمان ولایت هستند و تا پای جان در مسیر اعتلای اسلام، انقلاب اسلامی، تأمین امنیت و آرامش ملت ایران ایستاده‌اند.

ادامه از صفحه ۲

ریسک کردم و فرد ۳۵ ساله‌ای را معاون خود کردم

وزیر نفت به گزارش نظارتی سازمان بازرسی کل کشور اشاره کرد و گفت: در گزارش سازمان بازرسی آمده است که بعد از تغییرات مدیریتی در نیمه دوم سال ۹۶ فاز اول ستاره خلیج‌فارس با ۱۲ میلیون لیتر به طور کامل راه‌اندازی شده و به تثبیت رسیده که این کار قابل تقدیر است، بنابراین حتی سازمان نظارتی نیز از تغییر و نتیجه تقدیر کرده است. زنگنه افزود: هم‌اکنون بنزین مثل نان شب است، اگر دو ساعت بنزین نباشد، مردم نمی‌توانند آن را تحمل کنند. ما تلاش کردیم در شش‌ماهه اول سال در زمینه تولید بنزین به تعادل برسیم. در سال گذشته روزانه ۱۲ میلیون لیتر بنزین وارد می‌کردیم، اما امسال از مهرماه هیچ بنزینی وارد کشور نشده است و درواقع در تولید بنزین خودکفا شده‌ایم و وضعیت ذخایرمان بهبود یافته است، به‌طوری‌که در بودجه سال آینده پیش‌بینی برای واردات بنزین نداشته‌ایم.

وزیر نفت اضافه کرد: در سال ۹۱ در حدود ۵۲ میلیون لیتر بنزین تولید می‌کردیم. در این مدت ۴۳ میلیون لیتر بنزین دیگر به میزان تولیدات کشور افزوده شده و درواقع ۹۵ میلیون لیتر بنزین تولید می‌شود. افزایش ۸۳ درصدی تولید بنزین در کشور بی‌سابقه بوده است.

زنگنه در ادامه از قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) برای انجام کارهای پیمانی پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس تشکر کرد و گفت: به موضوع بسته‌شدن دفتر شرکت نفت ستاره خلیج‌فارس در تهران انتقاد شده است، دلیلی وجود نداشت که این دفتر با ۱۵۰ کارمند در تهران فعالیت کند، باید تمام شرکت‌ها دفاتر خود را در استان‌های دیگر تعطیل کنند و تمام تمرکزشان در استان خود باشد.

politics@sharghdaily.ir

بررسی چالش‌های اصلاح‌طلبی در گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک

نباید با تکیه بر استمرارطلبان وارد انتخابات شد

مهرشاد ایمانی

عکس: مهدی حسنی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و استقرار نظام جدید سیاسی، کشور ایران درگیر مناقشات و بحران‌هایی شد که اکثر آنها ساخته و پرداخته قدرت‌طلبان انحصارگرایی بود که به دنبال سهم‌خواهی از انقلاب بودند؛ گروه‌هایی که در مقابل مردم دست به اسلحه بردند و بسیاری از مسئولان را ترور کردند تا به زعم خود بتوانند حکومت نوپای ایران را در بدو امر ساقط کنند. چنین بحران‌هایی وقتی با هشت سال جنگ همراه شد، به‌طور کامل مجال اندیشیدن به حقوق عمومی را از صاحب‌نظران و حتی عامه مردم گرفت یا دستِ‌کم سخن آنان در شرایط استثنائی جنگ که اولویتِ حفظ تمامیت ارضی بود، چندان شنیده نمی‌شد. هنگامی که جنگ پایان یافت اولویت دولت هاشمی‌رفسنجانی بازسازی و نوسازی خرابه‌های جنگ قرار گرفت و باز هم اندیشه سیاسی به محاق رفت. در همه این سال‌ها افزون بر آنکه خواسته‌های سیاسی و اجتماعی مردم به‌درستی پاسخ داده نشده بود، با تغییر نسبی نسل نیز خواسته‌های جدیدی پدید آمده بود که در مسیر تاریخی ضرورت یک اصلاح درون‌ساختاری را فراهم می‌کرد. در سال ۷۶ و با روی‌کارآمدن دولت محمد خاتمی این خواسته بالقوه، بالفعل شد و مردم توانستند نیروهای سیاسی چپ قدیم را که در آن زمان دچار تغییر شده و به مفاهیمی مانند توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی اعتقاد پیدا کرده بودند، قانع کنند که برای دوام انقلاب و نیز اعتنا به خواست مردم باید اصلاحاتی صورت بگیرد و به نظر محمدرضا تاجیک، در آن مقطع یک تقاطع تاریخی رخ داد تا اصلاحات پا بگیرد اما با گذشت سال‌ها از تقاطع اصلاحات، آرام‌آرام جریان یا به تسامح جنبش اجتماعی اصلاحات از بدنه مردم جدا شد و افراد سرشناس آن، خود را محدود به ساختار قدرت سیاسی کردند. در واقع ایشان حیات اصلاح‌طلبی در ایران را منوط به کسب قدرت سیاسی دانستند و طبیعی بود که با چنین دیدگاهی تن به قواعد مرسوم کسب قدرت داده و جریان اصلاحات برای اصلاح‌طلبان به دروازه ورود به عرصه قدرت تبدیل شد. شاید علت چنین رویکردی نبود مانیفستی روشن در جریان اصلاحات باشد؛ به نحوی که از سال ۷۶ تاکنون هیچ مشی دقیق و روشنی از سوی احزاب و افراد دیرآشنای اصلاح‌طلب عرضه نشده است تا در وهله نخست خود بدانند که مسیر آینده را چگونه باید رقم بزنند و در وهله دوم مردم نیز انتظارات خود را در یک چارچوب نظری ارائه کنند. تئوریزه‌نشدن جریان اصلاحات باعث شد اکنون هویت اصلاح‌طلبی در نفی جناح رقیب یعنی اصولگرایی تعریف شود و شاید اگر زمانی جریان اصولگرایی در کشور وجود نداشته باشد، اصلاح‌طلبی نیز کارکردی نخواهد داشت. محمدرضا تاجیک باور دارد علاوه بر همه اینها، مقابله افراد برجسته اصلاح‌طلب با چرخش نخبگان نیز باعث تضعیف این جریان اجتماعی شد و ضرورت دارد که از این پس اصلاح‌طلبان، جوانان را که حاملان اصلی اصلاح‌طلبی در ایران محسوب می‌شوند، پشت درهای سیاست‌بازی نگاه ندارند و به آنها میدان دهند. برای بررسی بیشتر بحران‌های اصلاح‌طلبی در ایران ساعتی را با این استاد دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

هر ساختار سیاسی برای بقا و دوام خود نیاز به اصلاح‌گری در سطح کلان دارد؛ به عنوان بحث نخست بفرمایید چه عواملی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا اصلاحات در بطن و متن جامعه و نهاد قدرت ایجاد شود؟

پرسش شما را با یک رویکرد متفاوت پاسخ می‌دهم و می‌خواهم برای نخستین‌بار بر دوانگاری انقلاب و اصلاح خط بطلانی بکشم و آن را نادیده بگیرم. از این منظر اصلاح‌طلبی همان انقلاب است؛ به تعبیر دیگر، اصلاح‌طلبی جوهره هر انقلاب محسوب می‌شود؛ جوهره هر انقلاب اصلاح امور و تغییر شرایط است و با این خوانش در بطن و متن هر انقلاب، میل به اصلاح‌گری وجود دارد اما به ضرورت زمانی، گاهی ظهور اصلاحات رادیکال و خشونت‌آمیز می‌شود و گاهی آرام از پیچ تاریخی عبور می‌کند؛ بنابراین رخدادی به نام اصلاح‌طلبی پایانی ندارد و در تمام تاریخ جاری است و هیچ‌وقت نیست که وجود نداشته باشد و تا زمانی که تاریخ، جامعه و انسان وجود دارند، اصلاح‌طلبی نیز خودنمایی می‌کند و به صراحت می‌گویم که بی‌همگان به سر شود اما بدون اصلاحات به سر نمی‌شود. اصلاحات امری نیست که خود را از بیرون بر جامعه و انسان تحمیل کند؛ اصلاحات طبیعت جامعه و انسان است و وقتی به فراموشی سپرده شود، انسان از خود و جامعه دور می‌شود و راکد می‌ماند؛ این همان چیزی است که مولانا نیز بر آن تأکید کرده که خدا جهان را یک‌بار برای همیشه نیافریده است و هر لحظه جهان هستی نو می‌شود و مدام در حال «شدن» است. اصلاحات جز خلق ممکن‌ها چیزی نیست و به تعبیر رزا لوکزامبورگ، اصلاح‌طلبی انقلابی مستمر است و به تعبیر فوکو، انقلاب ابزاری برای واردکردن لحظه‌به‌لحظه سوبژکتیویته به تاریخ برای ایجاد نوعی تحول و امر بدیع است و در دیالکتیک بین سوبژکتیویته و ممکن جدید، سوژه خلق می‌شود؛ پس اصلاح‌طلبی را هیچ توقفی نیست و به خوانش دروزی، اصلاح‌طلبی امری «هنوز نه» است یعنی امری که همواره به روی آینده گشوده است و هیچ وقت تمام نمی‌شود و کارکرد مستمر دارد.

شما اصلاحات را یک انقلاب مستمر می‌دانید درحالی‌که در واقعیت عینی، انقلاب و اصلاح‌گری دو پدیده اجتماعی متفاوت‌اند. نسبت این دو واژه با یکدیگر را چطور ارزیابی می‌کنید؟

انقلاب هیچ‌گاه یک گسست رادیکال نیست و این برداشت نادرستی از مفهوم انقلاب است. هیچ انقلابی نمی‌تواند در یک گسست تاریخی بروز کند و از آن چیزی که نافی‌اش است، گسست کامل داشته باشد و نمی‌تواند در فردای انقلاب باعث تغییر کامل زیست‌جهان افراد شود و فرهنگ، تمدن، تاریخ و مناسبات انسان‌ها را به‌طورکامل متفاوت کند. در متن تمام انقلاب‌ها نوعی اصلاحات نهفته است که گاه تند و گاه آرام پیش می‌رود. دیگر آنکه اصلاحات در ماهیت خود یک «شدن» است و توقف ندارد. به قول سعید حجاریان، باید بین ایده و عاملیت اصلاح‌طلبی تفاوت قائل شد. گاهی عامل به بن‌بست می‌رسد، اما ایده اصلاح‌طلبی به راه خود ادامه می‌دهد. اصلاحات هر زمانی به شکلی نوین درمی‌آید و نمی‌توان برای آن مرگی قائل بود، اما این امکان وجود دارد که عامل یا عاملان اصلاحات ناکام شوند؛ چنان‌چه امروز نیز در جامعه ایران اصلاحات به بن‌بست نرسیده است اما اصلاح‌طلبان به بن‌بست رسیده‌اند.

> **باید بین ایده و عاملیت اصلاح‌طلبی تفاوت قائل شد. گاهی عامل به بن‌بست می‌رسد، اما ایده اصلاح‌طلبی به راه خود ادامه می‌دهد. اصلاحات هر زمانی به شکلی نوین درمی‌آید و نمی‌توان برای آن مرگی قائل بود، اما این امکان وجود دارد که عامل یا عاملان اصلاحات ناکام شوند؛ چنانچه امروز نیز در جامعه ایران اصلاحات به بن‌بست نرسیده است اما اصلاح‌طلبان به بن‌بست رسیده‌اند**

می‌خواهم تحلیل‌های نظری شما را به شرایط پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ در ایران ارتباط بدهم؛ پس از انقلاب و سپس جنگ هشت‌ساله با عراق به نظر می‌رسید که باتوجه به تغییر نسبی نسل و ایجاد خواسته‌های جدید اجتماعی نیاز به بازنگری در رویکردهای سیاسی وجود داشت و چنین اقتضایی در میانه دهه ۷۰ باعث شد اصلاح‌گری به عنوان نیازی انکارناپذیر مطرح شود. از سال ۵۷ تا روی‌کارآمدن دولت اصلاحات چه ضرورت‌ها و زمینه‌هایی وجود داشت که ساختار سیاسی را ناگزیر از اصلاح می‌کرد؟

بگذارید کانتی و فوکویی وارد بحث انقلاب اسلامی شوم. از نظر کانت مهم نیست که سرانجام یک انقلاب چه می‌شود، مهم نیست که ریشه‌های انقلاب در چه باشد یا حتی اهمیتی ندارد که در فردای انقلاب، انقلابی‌ها دچار تردید بشوند یا آنکه انقلاب بر خودش خیانت یا شورش کند؛ از نظر کانت مهم این است که انقلاب برای ناظرانش یک ایده را نشر بدهد و بگوید که می‌توان جلو رفت و تغییر داد. به تعبیر آلن بدیو، انقلاب رخ‌دادن حقیقت است زیرا حقیقت با انقلاب نمایان می‌شود؛ حقیقتی که در عدالت، حقوق انسان‌ها و زندگی دموکراتیک نهفته است که با رخ‌دادن انقلاب نمایان می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نیز برای نمایان‌کردن حقیقت‌ها رخ داد. پس از هشت‌سال جنگ و تغییر در اپیستمه یا شناخت مردم نسبت به زندگی، گفتمان انقلابی جای خود را به اصلاح‌طلبی داد و نظام صدقی، ارزشی و هنجاری تا حدی تغییر کرد و ضرورت داشت که انقلاب با شکلی جدید بر مردم عرضه شود.

برخی باور دارند که رأی به خاتمی نتیجه نفی دولت هاشمی بود و در نتیجه رأی عمومی در انتخابات سال ۷۶ نوعی رأی سلبی محسوب می‌شود. اگر این گزاره را بپذیریم، می‌توان گفت جریان اصلاحات بعد از دوم خرداد ایجاد شد و خاتمی و همفکرانش مترصد ایجاد اصلاح اجتماعی نبودند و این مردم بودند که آنها را به سمت اصلاحات سوق دادند. از نظر شما دولت خاتمی جریان اصلاحات را به وجود آورد یا خواسته‌های مردم، او و نزدیکانش را به سمت اصلاح‌طلب‌شدن هدایت کرد؟

پرسش بسیار مهمی را مطرح کردید. جریان اصلاحات طبیعتی مغایر با ماندن و خشکیدن دارد و به هر بن‌بستی که می‌رسد راه خود را می‌یابد و به اشکال گوناگون رشد می‌کند، اما در این مسیر گاهی تقاطع‌هایی ایجاد می‌شود؛ دولت اصلاحات آن تقاطع است؛ به بیان دیگر، جریان‌های مختلف در حوزه‌های گوناگونی اعم از سیاسی، اقتصادی و زیبایی‌شناسی در ظرف تاریخ در جایی به یکدیگر می‌رسند و با اراده‌ای تاریخی یا به تعبیر نیچه، با اراده‌ای معطوف به قدرت تصمیم می‌گیرند. در ایران پس از انقلاب اسلامی، آن تصمیم در دولت اصلاحات متجلی شد. این مقطع رویکردی دوگانه داشت که از یک‌سو می‌توانست جایگاه اصلاحات را تثبیت و از سوی دیگر این جریان را درگیر چالش‌های عمیق و جدایی‌ناپذیر قدرت سیاسی کند که متأسفانه اصلاح‌طلبان حالت دوم را برگزیدند و وارد عرصه بی‌قاعده و بی‌اخلاق سیاست شدند و از آفات قدرت سیاسی در امان نماندند. از آن پس اصلاحات به‌طور فزاینده‌ای جایگاه خود را در قدرت تعریف کرد؛ به‌نحوی که باور عمومی اصلاح‌طلبان بر این شد که اگر از عرصه قدرت دور بمانیم، مرگ اصلاحات فرا می‌رسد، درنتیجه همه هستی این جریان در بازی قدرت خلاصه شد که تا امروز نیز هزینه‌های چنین رویکردی داده می‌شود.

پس اگر قائل به این موضوع باشیم که مردم و اقتضای تاریخی، خاتمی را به سمت اصلاح‌طلب‌شدن سوق دادند، این نتیجه حاصل می‌شود که اصلاح‌طلبان با مانیفستی روشن وارد کارزار سیاست نشدند و شاید همین عامل باعث شد تا استمرارطلبی قدرت در میان فعالان این جریان رشد کند. این موضوع را قبول دارید؟

رویکرد قابل پذیرش و قابل تأملی است. بی‌تردید نمی‌توان گفت جریان اصلاحات که ماهیت مدنی و اجتماعی‌اش مقدم بر ماهیت سیاسی‌اش بود، توسط عده‌ای سیاست‌باز شکل گرفت بلکه آن جریان در مسیر تاریخ بالنده شد، اما عده‌ای آمدند و کلیت اصلاحات را به نفع خود مصادره کردند، بی‌آنکه برای حفظ این میراث گران‌بها تلاش بکنند؛ آنها هیچ‌گاه نخواستند که جریان اصلاحات را بر پایه‌های یک گفتمان هژمونیک استوار کنند و درون آن مفصل‌بندی انجام دهند. با تئوریزه‌نشدن اصلاحات، فضایی گیج‌وگنگ پدید آمد و همه‌چیز در بازی سیاست خلاصه شد و اصلاح‌طلبان از گفتمان‌سازی بازماندند و اصلاحات در پستوهای تاریک و چاه ویل سیاست گرفتار شد. تمام این عوامل زمینه‌های دفن جریان اصلاحات را فراهم کرد و آنچه از آن باقی ماند روحیه قدرت‌طلب عده‌ای بود که خود را فعالان عرصه اصلاح‌طلبی معرفی می‌کردند.

علاوه بر موضوعاتی که شما به آن اشاره کردید، به نظر می‌رسد اساسا اصلاحات به معنای رایج کنونی نه‌تنها با یک تئوری مشخص پیش نمی‌رود بلکه ماهیت خود را در سلب رقیب یعنی اصولگرایان معرفی می‌کند؛ به‌نحوی‌که اگر هریک از این دو طیف سیاسی وجود نداشته باشند، آن دیگری نیز از حیث هویتی نابود می‌شود و این به همان نبود اندیشه سیاسی در جناح اصلاح‌طلبی بازمی‌گردد؛ از این موضوع گذر کنیم و قدری به بحث عدم بازتولید نیروی انسانی در جریان اصلاحات بپردازیم. نیروهای جریان اصلاحات از اواسط دهه ۷۰ تا امروز تقریبا ثابت مانده‌اند و در هر انتخابات همان‌ها تکرار می‌شوند؛ این درحالی است که انتظار می‌رفت در این سال‌ها نیروهایی کارآزموده و جوان به عموم مردم شناسانده شوند. علت فقر نیروی انسانی در جریان اصلاحات چیست؟

بسیاری از کسانی که خود را عاملان اصلاح‌طلبی معرفی می‌کنند آنچه را که می‌گویند زندگی نمی‌کنند.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● خواستم از طریق روزنامه از آقای حناچی تشکر کنم که به‌محض در مسند قرارگرفتن، فرهنگ‌سرای سئول را در منطقه ۳ شهرداری بستند. حدود ۱۰ سال است که ما اهالی محل که اکثریت بازنشسته هستیم هفته‌ای چهار روز از ساعت پنج تا هفت از سالن اجتماعات این فرهنگ‌سرا برای برگزاری کلاس استفاده می‌کردیم. این کلاس‌ها رایگان و برای سلامت روانی ما بازنشسته‌ها بسیار مفید بود. متأسفانه فرهنگ‌سرا بسته شده و اجازه تشکیل کلاس به ما نمی‌دهند. اینجا محلی برای ملاقات اهالی محل و به‌ویژه ما بازنشسته‌ها بود. فکر می‌کنم در شرایط امروز این حداقل خواسته ما ۲۰۰، ۳۰۰ بازنشسته است. لطفا چاپ کنید شاید مسئولان فکری بکنند تا واقعا از خانه‌نشینی مطلق ما جلوگیری شود.

یک مخاطب

بازتاب

● **پاسخ روابط عمومی شهرداری تهران:** احتراما با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۹۷/۱۰/۱۰ با عنوان «انتقاد مسافران از اتوبوس‌های خط راه‌آهن- تجریش» ضمن تشکر از دقت نظر شهروند گرامی، اعلام می‌دارد: طبق بررسی به‌عمل‌آمده از طریق سامانه مدیریت هوشمند ناوگان در خط ۱۰۷ (میدان راه‌آهن- پایانه تجریش) اتوبوس‌های ناوگان با حداکثر ظرفیت در حال خدمت‌رسانی به شهروندان می‌باشند و برنامه زمان‌بندی در خط مذکور بدون هیچ خللی در حال اجرا می‌باشد. همچنین در ساعات پیک مسافر در ایستگاه‌هایی که با خطوط مترو تلاقی دارند و تردد مسافر در آن زیاد است، تعدادی اتوبوس در شیفت صبح و عصر به صورت دپو نگهداری می‌شود تا در مواقع نیاز جهت خدمات‌رسانی به‌کارگیری شوند. در جهت رفاه حال شهروند گرامی و تکریم ارباب‌رجوع، به عوامل مربوطه درخصوص به‌کارگیری حداکثری ناوگان در این خط و نظارت بیشتر بر اجرای برنامه زمان‌بندی و سرویس‌رسانی مطلوب، توجه داده شد.

پرداخت تسهیلات با شرایطی به انتخاب شما

درطرح صدرا ارزش‌آفرین مبلغ و نرخ تسهیلات
و مدت پرداخت اقساط به انتخاب شماست

بانک دی
DAY BANK
بانک دی، بانک ارزش آفرین

مرکز ارتباط با دی: ۰۲۱-۲۸۹۳۰

www.day24.ir